

آموزه‌های کیفی تربیتی مستلزم برنامه‌ریزی است

کلیدواژه‌ها: دین‌محوری، علم‌آموزی، علم و دین، مقوم‌های علم و دین

اشاره

دین‌محوری در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران یعنی محور قرار دادن مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های اسلامی در تمام امور مرتبط با یاددهی - یادگیری. تربیت دینی که در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ایران رکن اساسی تعلیم و تربیت است، معادل کامل آموزش تعالیم دینی و احکام اسلامی نیست، بلکه این تربیت از طریق ارائه همه موضوعات درسی قابل پی‌گیری است. تربیت دینی در تمام کلاس‌های درس و در تمام لحظات حضور دانش‌آموزان در مدرسه جایگاه دارد و به وسیله همه معلمان قابل اعمال است. ضمن آنکه آموزش مفاهیم، مسائل دینی و مذهبی و احکام مرتبط، فقط به وسیله موضوعات درسی قرآن و دینی و متخصصان امور دینی قابل ارائه است. کار مربی دینی فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت دانش‌آموزان، ملهم از فطرت الهی آنهاست. دانش‌آموزان از روی فطرت، به خوبی و خوب رفتاری تمایل و گرایش دارند. آنها به‌طور طبیعی کنجکاو و کاوشگرند و کار مدرسه و معلم هدایت‌گرایش‌ها و تمایلات طبیعی آنها به سوی کسب کمال و رشد و شکوفایی است و این هدایت به برنامه‌ریزی نیاز دارد. در این مقاله، ضمن تشریح مناسبات میان علم و دین و مقوم‌های آنها، به لزوم برنامه‌ریزی در این زمینه از جهات و جنبه‌های متفاوت اشاره شده است.

نسبت علم و دین

در دیدگاه اسلامی، رابطه علم و دین تنگاتنگ است؛ یعنی بین این دو وحدت وجود دارد. از منظر جهان‌بینی اسلامی علم در عرض دین نیست، بلکه در طول آن قرار دارد. از نظر اسلام «علم‌ورزی» از بهترین عبادات به‌شمار آمده است؛ البته علمی که از ذهن متخصص علمی برآمده باشد که به خدا و متافیزیک و جهان آخرت، خیر و شر، و دیگر آموزه‌های دینی اسلامی معتقد و پای‌بند است. چنین شخصی علم را فقط برای علم‌پی‌گیری و دنبال نمی‌کند، بلکه علم‌ورزی، علم‌آموزی و علم‌جویی را در جهت

کمال‌یابی و رشد و تعالی انسانی، به‌عنوان مخلوق خدا و خلیفه او در زمین، می‌داند و نتایج علمی را در جهت پیشرفت، خیر و رفاه زندگی

تربیت دینی

انسانی و نیز در جهت خیر، رفاه و ایجاد صلح و آرامش برای خود و دیگران به کار می‌برد و سیر به سوی کمال در دنیا و آخرت را مدنظر دارد. علم نافع عین دین است و علم غیرنافع ضد دین. دانشمند نافع، ناصر، ناظم، ناشر دین‌دار است و برعکس دانشمند غیرنافع، خودبین، خودخواه، سودجو، جنگ‌طلب و زمینه‌ساز شر و زیان. او اگر هم به ظاهر دینی باشد، به‌واقع ضد دین است و تلاش‌های علمی او نه به حال خودش نافع است نه به حال دیگران.

در ساحت تربیت دینی، دانش‌آموز کرامت ذاتی دارد و امانت الهی محسوب می‌شود. مدرسه و معلم باید حافظ آن کرامت و هدایت‌گر آن امانت باشند. هدایت تربیتی شکل نمی‌گیرد، مگر با تلفیق تفکر، تعقل، علم، ایمان، اخلاق و عمل، و همه این عناصر باید در عرصه‌های ارتباط با خدا، خود، طبیعت و دیگران شکل بگیرند. تلفیق این همه، باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز هنگام

هدایت تربیتی
شکل نمی‌گیرد،
مگر با تلفیق
تفکر، تعقل، علم،
ایمان، اخلاق و
عمل، و همه این
عناصر باید در
عرصه‌های ارتباط
با خدا، خود،
طبیعت و دیگران
شکل بگیرند



مواجه شدن با هر نوع پدیده، اعم از طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و مظاهر آن‌ها، به یاد خالق آن بیفتد و درباره چستی و چرایی و چگونگی شکل‌دهی و شکل‌پذیری آن تفکر کند، کارایی و کارآمدی و چگونگی بهره‌گیری بهینه از آن را به‌درستی بسنجد، سودمندی آن در جهت زندگی والای انسانی خود و دیگران را در نظر بگیرد و با ایمان و باور قلبی در زمان و مکان مناسب، با رعایت موازین اخلاقی، بدون صدمه زدن به طبیعت و مواهب طبیعی آن را به‌کار گیرد.

تربیت دینی باید به ایمان و عمل صالح بینجامد. عمل صالح ناشی از باور و ایمان به انجام کار درست به درست‌ترین وجه ممکن است. اگر عمل‌ها و کارکردهای آموزشی از روی اجبار و الزام صورت گیرند، به‌معنای آن است که تربیت موردنظر به‌درستی صورت نگرفته است. حاصل تربیت درست، عملکرد اختیاری، ارادی و متکی بر ایمان و باور است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، هنگامی تربیت دینی به بار می‌نشیند که با تغییرات و اصلاح اساسی رفتاری از نظر احساسی، عاطفی، باوری، گرایشی، اخلاقی و ارزشی همراه باشد. به یاد داشته باشیم، اگرچه زمان طبیعی مواجهه با چنین رفتارهایی، در بزرگسالی و در عرصه زندگی اجتماعی است، اما لحظه لحظه‌های دوران دانش‌آموزی و حضور در مدرسه، تجربه‌های به‌دست آمده و الگوهای برگرفته در شکل‌گیری رفتارهای ارزش‌مدارانه، در بزرگسالی مؤثرند.

کسب اطلاعات و دانش نسبت به مفاهیم، مسائل و تعالیم و احکام دینی اگرچه لازم است، اما صرف دانستن برای عمل و رفتار

تحلیل قضایا تا تصمیم‌گیری درست است. دانش‌آموز هنگامی می‌تواند به تصمیم درست برسد که شش سطح مراتب هدف‌های بلومی^۱ را طی کرده باشد، یعنی: ابتدا به درک درست از قضیه یا مسئله نائل شود، به تحلیل درستی از تمام جوانب و ابعاد قضیه یا مسئله دست یابد؛ براساس اسناد و مدارک و داده‌های تحلیل‌شده به استنتاجی درست برسد، به روزنه یا فکری نو و ایده‌ای جدید ناشی از تفکر درست خود برسد و با توجه به معیارهای ارزشی بیرونی و درونی یافته‌ها و یا ابداعات فکری و نظری و ارزیابی قضایا به تصمیم‌گیری بهینه دست یابد. گذر از این شش سطح در واقع گذر از مرحله اول الگوی

دینی کافی نیست. نهادینه شدن رفتارهای دینی تابع درک درست مفاهیم، چستی و چرایی آن‌ها، فهم ارزش و ارزشمندی عمل درست به آن‌ها و کسب مهارت و عادت در انجام آن‌هاست.

جایگاه تفکر و تعقل در تربیت اسلامی - ایرانی

تفکر ودیعه‌ای فطری و الهی است. تمام یادگیری‌های نافع حاصل تفکر است و گرنه یادگیری‌های صرفاً حسی و حافظه‌ای، همان‌طور که به آسانی یاد گرفته می‌شوند، به آسانی هم فراموش می‌شوند. تفکر می‌تواند به فعل درآید یا در ذهن باقی بماند. عقل‌ورزی عبارت از سیر تفکر از

فراشناخت یعنی شناخت شناخت‌ها. یادگیرنده برای چنین شناختی به یادگیری مؤلفه‌هایی نیاز دارد و برنامه‌ریزی و هدایت و مراقبت برای ایجاد چنین شناختی برعهده معلم آگاه و متعهد است

هدف‌گذاری آموزشی و تربیتی در نظام تحولی اسلامی ایرانی است. بنابراین، به‌خوبی ملاحظه می‌شود، چنانچه همین مرحله اول از هدف‌های تربیت تحقق یابد، بعد دینی و علمی هم‌سو با یکدیگر رشد و پرورش یافته است. روشن است که محتوای چنین تربیتی دانش و اطلاعات حاصل از تجربه بشری است و می‌تواند تمام یادگیری‌ها در هر موضوع و هر سطحی را پوشش دهد. بنابراین، تعقل یا خردورزی عبارت از تصمیم‌گیری درست براساس معیارهای ارزشی درست طی فرایندی عقلانی است. این فرایند به خوبی میان تفکر، ارزش‌ها و عمل پل سازنده برقرار می‌کند و یادگیرنده را به سوی اتخاذ رفتاری مبتنی بر آموزه‌های ارزشی موردنظر و درست، هدایت و راهنمایی می‌کند.

برنامه‌ریزی برای پرورش تفکر و تعقل

تعقل و خردورزی اکتسابی است. رشد و پرورش تفکر نیز نیازمند



برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی رشد و پیشرفت خردورزی در نظام تعلیم و تربیت دو جنبه دارد. یک جنبه آن با فراهم کردن زمینه‌های پرورش مرتبط است که برنامه‌ریزی خاص برنامه‌ریزان درسی را از یک سو و مجریان برنامه‌های درسی یعنی مدیران و معلمان مدارس را از سوی دیگر می‌طلبد. جنبه دیگر آن با خود یادگیرنده مرتبط است و اینکه او چگونه یاد بگیرد از نیروی فکری خود برای تصمیم‌گیری‌های درست و عاقلانه بهره بگیرد. این یادگیری نیز اکتسابی است. فراهم کردن زمینه‌های یادگیری خردورزی و بهره‌گیری از توانمندی عقل، برعهده معلمان و مدیران مدارس است. «چطور یاد گرفتن» نیز بخشی از همین جنبه است که آن هم باید یاد گرفته شود و برنامه‌ریز اصلی آن معلم یادگیرنده است.

آموختن چگونگی یادگیری به شناخت توانمندی‌های ذهنی و مادی یعنی قوه‌های مثبت و سازنده و همچنین نقطه ضعف‌ها و کاستی‌های موجود نیاز دارد و این همان چیزی است که در فرهنگ نظری دانشی «فراشناخت» نامیده شده است. فراشناخت یعنی شناخت شناخت‌ها. یادگیرنده برای چنین شناختی به یادگیری مؤلفه‌هایی نیاز دارد و برنامه‌ریزی و هدایت و مراقبت برای ایجاد چنین شناختی برعهده معلم آگاه و متعهد است. ضمن آنکه مدرسه از جهت فراهم کردن امکانات، تجهیزات، ملزومات و شرایط این برنامه‌ریزی، مسئولیتی اساسی برعهده دارد.

مقوم‌های علم و دین

مقوم‌ها در واقع تقویت‌کننده‌ها، هادی‌ها و حامی‌هایی هستند که موجبات نهادینه شدن علم و دین را فراهم می‌کنند. مقوم‌های اصلی و

اساسی علم و دین سه چیزند: ایمان و باور، اخلاق و ارزش، رفتار و عمل. عقل‌ورزی در سایه وجود ایمان و باور به درستی کار و ضرورت رعایت اخلاق پسندیده و ارزشی و اتخاذ رفتار شایسته وجودی انسان مطلوبی شکل می‌گیرد که مورد نظر ذات اقدس پروردگار است. علم‌ورزی یعنی آموختن دانش و کسب علم در زمینه‌های مورد علاقه و نیاز، براساس ارزش‌ها و باورهای موردنظر خلق و جامعه، در جهت کسب رضایت خدا و حفظ آرامش وجودی، نوعی دین‌ورزی است که در سایه ایمان و باور به ارزش‌های اصیل قابل دستیابی است. ایمان و باور و اخلاق و ارزش نهادینه نمی‌شوند، مگر در بوتۀ عمل و بروز رفتارهای مطلوب و نیکو؛ نیکو به حال خود، نیکو به حال جمع و بدون ضرر برای طبیعت و مخلوقات خداوندی. تکرار عمل‌های درست از جانب فرد افراد جامعه، خودبه‌خود، اجتماعی مطلوب، نیکو و سعادت‌مند را شکل خواهد داد. انجام همه این مهم بدون برنامه‌ریزی درست میسر نیست. مدیران مدارس، معلمان، برنامه‌ریزان، خانواده‌ها، رسانه‌ها و خود افراد، عوامل و مؤلفه‌های شکل‌گیری نظامی از این شبکه مفهومی هستند. شکل‌گیری چنین نظامی برنامه‌ریزی لازم دارد. بیاید به‌عنوان معلمان این سرزمین، برای برنامه‌ریزی بهینه در این زمینه، یعنی برای پرورش توانمندی خردورزی دانش‌آموزانمان، و برای علم‌پژوهی و دین‌پژوهی آنان، چگونه برنامه‌ریزی کردن را یاد بگیریم، به ضرورت برنامه‌ریزی برای یادگیری و پیشرفت ایمان و باور پیدا کنیم و با رعایت اخلاق و ارزش‌های نیکو به حال خود و دیگران، در مسیر عمل گام برداریم.